

# مباحث فرهنگی در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه

کومتر محقق است که نسبت به ارزش زائدالوصف اثر حجیم روزنامه «خاطرات اعتمادالسلطنه» که چهار دهه پیش به همت استاد ایرج افشار چاپ شد و تاکنون نیز چندین بار تجدیدچاپ شده است، آگاه نباشد. به یمن وجود همین کتاب است که ما از بسیاری وقایع تاریخی و به‌ویژه کم و کیف فعالیت‌های فرهنگی ۱۵ سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه یعنی از ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ قمری اطلاعات نسبتاً خوبی در اختیار داریم. از آن جا که اعتمادالسلطنه خود نویسنده و مترجمی بسیار پرکار بوده و نیز تصدی مناصب مهم فرهنگی نظیر دارالترجمه را نیز برعهده داشته به طور طبیعی بخش‌های مهمی از یادداشت‌های روزانه او به درج مباحث فرهنگی اختصاص یافته است. اما متأسفانه این مباحث ارزشمند تاکنون در لابلای کثیری از مطالب متنوع و مختلف به صورت «مخفی و گم و گور» باقی مانده بود تا این که استاد ایرج افشار این بار نیز خود همت گماشته و این مباحث را با دقت و حوصله فراوان از بین کثیری از مطالب دیگر بیرون کشیده و به صورت کتابی مستقل تدوین و تنظیم نموده است. وی در خصوص علت و انگیزه مبادرت ورزیدن به چنین کاری می‌نویسد: «چند سال پیش که در آمریکا بودم، روزی خواستم مطلبی را که از روزگار چاپ کردن آن کتاب (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه) به یاد داشتم (درباره موزه) در آن بیابم و نمی‌توانستم به مقصود برسم. چون مدت ماندگاری را از ماهی بیش دیدم تصمیم گرفتم بار دیگر سراسر کتاب را بخوانم و هر مطلبی را که درباره مباحث و مسائل و مواد فرهنگی باشد از آن کتاب بیرون بکشم و در دفتری جدا بنویسم. کتاب کنونی حاصل آن فکر و صرف آن اوقات است.» (ص ۸)

حتی با تورق اجمالی این کتاب نیز می‌توان به این نکته مهم پی برد که بیش از هشتاد درصد مباحث فرهنگی منعکس شده در این کتاب به نوعی با شخص ناصرالدین شاه ارتباط مستقیم دارد. و همین کافی است که دیدگاه معمول و متعارف ما را نسبت به ناصرالدین شاه به عنوان



شاه همیشه در سفر و خوشگذران که یکی از مهمترین دل‌مشغولی‌هایش، حرمسرای شاهی بوده، تغییر دهد و به او به عنوان پادشاهی بنگریم که سخت در بند اموری از این دست بوده است: ۱ - علاقه به مطالعه آثار برجسته تاریخی به ویژه شرح حال پادشاهان و سلاطین بزرگ اروپا نظیر پتر کبیر، ناپلئون، فردریک کبیر و دیگران. هرچند که در عمل، متأسفانه از تاریخ زندگی این بزرگان درس‌چندانی نمی‌گرفته است. اعتمادالسلطنه در سراسر این اثر، بارها به این نکته اشاره دارد که برای شاه آثاری را که در شرح زندگی این بزرگان نوشته می‌شده، از آغاز تا انجام می‌خوانده است. می‌نویسد: «چهار ساعت تمام تاریخ فردریک خواندم. عجب این که در سال متجاوز از چهارصد تومان خرج می‌کنم و از این قبیل کتاب‌ها که سراپا تنبه است می‌آورم برای شاه می‌خوانم هیچ ملتفت نیستند.» (ص ۱۱۶) و در جای دیگر در ربط با همین موضوع می‌نویسد: «یک دهان من کتاب می‌خواندم یک دهان خودشان تقریر شکارشان را می‌فرمودند و امین خلوت می‌نوشت. خیلی فرق داشت تفصیل حالت فردریک کبیر و پادشاه پروس که من می‌خواندم با تقریر خودشان که صفحه‌ای از زندگانی خودشان

است.» (ص ۱۲۴)

۲ - علاقه مفراط به آگاهی از مطالب روزنامه‌های ترکی، روسی، فرانسه و انگلیسی، بنا به یادداشت‌های اعتمادالسلطنه، وی تقریباً همه روزه در سر ناهار و حتی ساعاتی بعد از آن پیوسته برای شاه روزنامه می‌خوانده و ترجمه می‌کرده است. «در سر ناهار مشیرالدوله ترجمه روزنامه کرده بود. من هم در سر ناهار و بعد از ناهار کتاب و روزنامه خواندم.» (ص ۱۳۷) در جای دیگر به علاقه ناصرالدین شاه به انتشار روزنامه به زبان فرانسه این‌گونه اشاره کرده است: «شاه فرمودند روزنامه به زبان فرانسه ایجاد باید کرد.» (ص ۱۰۹).

۳ - علاقه به مباحث جغرافیایی و سفرنامه‌های اروپائیان: «امروز شاه میل کردند که ژغرافی تألیف فرمایند.» (ص ۳۹) «سفرنامه ایلچی اسپانیول که در زمان شاه عباس اول به ایران آمده بود در حضور همایون می‌خواندم. خیلی مورد تمحید و تحسین خاطر همایون شد.» (ص ۲۰۲) ۴ - علاقه به یادگیری زبان‌های فرانسه، روسی و انگلیسی. «بعد از ناهار شاه بنای درس فرانسه گذاشتند.» (ص ۱۱۷) «قبل از شام مطالعه درس فرانسه کردند.» (ص ۸۳) «بعد از ناهار شروع به درس روسی کردند. مادروس خان مترجم معلم است... شب درخانه رفتم باز شاه درس می‌خواند.» (ص ۸۴).

ناصرالدین شاه علاوه بر این موارد به تئاتر، موزه، جمع‌آوری سکه‌های قدیمی و قرائت آنها، ترجمه کتاب‌های غربی، نقاشی، عکاسی، انتشار کتاب و برپایی کتابخانه در کاخ و امور فرهنگی دیگری از این قبیل علاقه و اشتیاق فراوان داشت، چنان که از لابه لای یادداشت‌های اعتمادالسلطنه می‌توان به مطالبی درباب هر یک برخورد. از این رو کتاب حاضر منبع مهم و مستندی است برای مطالعه در تاریخ فرهنگی ایران در ۱۵ سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه یعنی دورانی که در آن، آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن جدید مغرب‌زمین رو به گسترده‌گی نهاد.

نصرالله صالحی